

نشان بکلمه طوبیعت پرورانش مردمان دکان و جرات  
 اشباح فرموده **نظم** از بهر باطنش سوزان قصه کند  
 مردی ز کانیات بیخیش بی شتاب نیشانه اوده عالم دعا  
 نور دیده جهانیا را تسبیح فضل جهان خیر خیرات حیات  
**نظم** سلطان خیرات بکلمه کرد بر بقیع باطنش اراد و کسب  
 معصوم ز کانیات مایه نند از حساب عصبان و عصمت  
 مودع کشان تحفه قریب کشند بر دیده مکن درع و دین  
 کرده دیده دایم انحراف از عبادتش درین شکار زدم کردن آب  
 پیچیدش بدو طهارت خردم با طهارت حجره زهر او تو بر  
 او ارم اندر اوقات جلایا با وفا و اخلاص و اقامت آمارت  
 فصاحت و فصاحتها فی مقام الابد و ظل عطفت مسایه القات  
 در رفت بر فارق مخلصان از چشمند این عمر مودع  
 بقرب حواریان فی الاواند بر فلک اعتبار او چشمند را بطم  
 خدمت قدیم که اصل و سبب عظیم است مگر که خلاصی در روش

جمع

با خصص مکتب کردید و تمهید امر که رسیدیم نظام و ملک  
 دعا که ای آن آسمان باشد مناسب بلکه در جنبه نیز ما برین است  
 عتصام در ذیل شرح و بیان عانی صبح حضرت را که  
 صلیت سلام زده بقدر وسع در ابراد معانی الفاظ از صحیح  
 لغات لغات صحیح سعی نموده و محلی از صاحب سفران  
 فراختر استعدا خود در مقام کتت همود و آن آن شخص علی  
 و محض متالی نمودش یکدک بظرف حنفه از شش مخطوطه  
 اقبال کما میباشش مخطوط کرده است و در هر یکم حضرت  
 که شماره فیض این عافی اجابت آیت و برکات این کلمات  
 اصابت بیانت چون صبح صادق روزه دولت آنحضرت  
 نورانی و شام سعادتش را سرایه نورشانی کرد از آنده  
**الاجابة ومنه العون الاستجابة اللهم يا من**  
**دفع لسان الصالح بطقن** انده اسم ذات واجب  
 بالذات صحیح صفات تکالیف است و او در آن ان بود

بدر  
مخطوط

Copyright © King Saud University